

مقدمه

امروزه دیدگاه‌های وجودی و شناختی، نقش مهمی برای هستی‌شناسی، که افراد در نگرش‌ها و باورهای خود دارند، قائل هستند. هستی‌شناسی یا همان فلسفه فرد در زندگی و دید او به پدیده‌های هستی، چارچوبی به باورهای فرد می‌دهد که وی را به سمت رفتارهای خاصی هدایت می‌کند (محمدپور، ۱۳۸۹، ص ۵۳). هستی‌شناسی علم به وجود است، آگاهی انسان به وجود خود، جهان و ویژگی‌های آن. هستی‌شناسی تا اندازه زیادی تحت تأثیر فرهنگ و مذهب قرار دارد. جوامع غربی تعاریف خاص خود از هستی‌شناسی را ارائه کرده‌اند، اما برخی افراد، حتی غیرمسلمانان، در نگرش‌های خود تحت تأثیر هستی‌شناسی قرار دارند که باورهای مذهبی خاصی به آنها می‌دهد. الگوهای رفتاری در جوامع غربی مانند فردگرایی، عدم تأکید محوری بر خانواده، نگرش‌های سرمایه‌داری و غیره، همگی ناشی از نوع هستی‌شناسی هستند که امروزه در غرب به وجود آمده است که البته برخی از تبعات منفی آن را نیز شاهد هستیم (Palermo, 2007, p. 544). اما هستی‌شناسی اسلامی، ماهیتی منحصر به فرد دارد و به دلیل اینکه از آموزه‌های قرآنی برگرفته شده و از سوی خداوند به عنوان آفریدگار و آگاه به تمامی مسائل انسان مطرح شده است، می‌تواند انسان را به کمال دنیوی و اخروی هدایت کند، به طوری که ما در زندگی پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین  شاهد آن هستیم.

هستی‌شناسی اسلامی، شامل افق وسیعی از گذشته تا آینده است که در مقابل دیدگاه‌های روان‌شناختی گذشته‌نگر، مانند فروید و یا حال‌نگر مانند پرز و یا آینده‌نگر مانند آدلر قرار دارد. در هستی‌شناسی اسلامی، نظام هستی شامل تمام عوالمی است که حظی از وجود دارند. از این رو، این جهان هستی بسیار گسترده است و ابعاد گوناگون دارد و از عالم خاک، که اخس مراتب هستی است تا عوالم بالاتر امتداد دارد (ممدوحی، ۱۳۸۲، ص ۱۸). نفس جسمانیة‌الحدوث و روحانیة‌البقاء است و با اصطیاد امور شخصی از مجرای حواس و استعداد سیر جوهری از درون، حرکت به سوی عالم مثال را شروع کرده و سرانجام، به تجرد عقلی، که همان مقام کلی‌یابی است، می‌رسد (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۵۰). در هستی‌شناسی اسلامی، هستی‌شناسی وابسته به جهان‌بینی الهی است؛ زیرا در جهان‌بینی الهی معلوم می‌گردد که در نظام هستی یک موجود واجب به نام خدا هست و سایر موجودات همگی به‌عنوان فیض خدا از او نشأت گرفته‌اند. پس مسیر شناخت انسان از جهان‌بینی الهی به هستی‌شناسی و از هستی‌شناسی به انسان‌شناسی منتهی می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۲). فردی که نگرش‌ها و رفتارهایش براساس هستی‌شناسی اسلامی است، براساس آموزه‌های اسلام و قرآن نیز عمل می‌کند و بنابراین، رفتارهای بسیار متفاوتی نسبت به فردی دارد که از هستی‌شناسی غیردینی پیروی می‌کند.

اثربخشی آموزه‌های هستی‌شناسی اسلامی

بر رضایت زناشویی زنان متأهل

یاسر رضاپور میرصالح* / معصومه اسمعیلی** / کیومرث فرحبخش***

چکیده

این پژوهش، که از نوع مطالعات نیمه‌تجربی پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل و پیگیری بود، با هدف تعیین اثربخشی آموزه‌های هستی‌شناسی اسلامی بر افزایش رضایت زناشویی زنان متأهل انجام شد. بدین منظور، از بین مراجعه‌کنندگان مرکز مشاوره باب‌الحوائج شهرستان مینو، ۲۴ نفر به صورت تصادفی انتخاب و در گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. به شرکت‌کنندگان گروه آزمایش، هر هفته دو جلسه نود دقیقه‌ای به مدت ۱۰ جلسه آموزه‌های مبتنی بر هستی‌شناسی اسلامی درباره ارتباط زناشویی داده شد و به گروه کنترلی هیچ‌گونه آموزشی ارائه نشد. هر دو گروه یک‌بار پیش از انجام آزمایش، یک‌بار بلافاصله پس از اتمام آزمایش و یک‌بار یک ماه پس از انجام مداخلات، فرم کوتاه آزمون رضایت زناشویی انریچ را تکمیل کردند. در نهایت، داده‌های جمع‌آوری شده به کمک تحلیل کوواریانس چندمتغیره تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که آموزه‌های هستی‌شناسی اسلامی بر افزایش رضایت زناشویی شرکت‌کنندگان گروه آزمایش تأثیر معنی‌داری داشت. این افزایش در مرحله پیگیری نیز حفظ شده بود. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که ارائه آموزه‌های مذهبی مبتنی بر هستی‌شناسی اسلامی، شیوه مناسبی برای افزایش رضایت زناشویی زوجین است. کلیدواژه‌ها: اثربخشی، هستی‌شناسی اسلامی، رضایت زناشویی.

مذهبی پیش‌بینی‌کننده برتری مدل «رسومی» ازدواج است که بر فداکاری فردی و تعهد کامل به ازدواج تأکید می‌کند تا یک مدل «قراردادی» ازدواج، که مشخصه آن تقدم نیازهای افراد بر قید و بندهای زناشویی و تأکید بر مذاکره بین زوجین است (Sanchez & et al, 2002, P. 101).

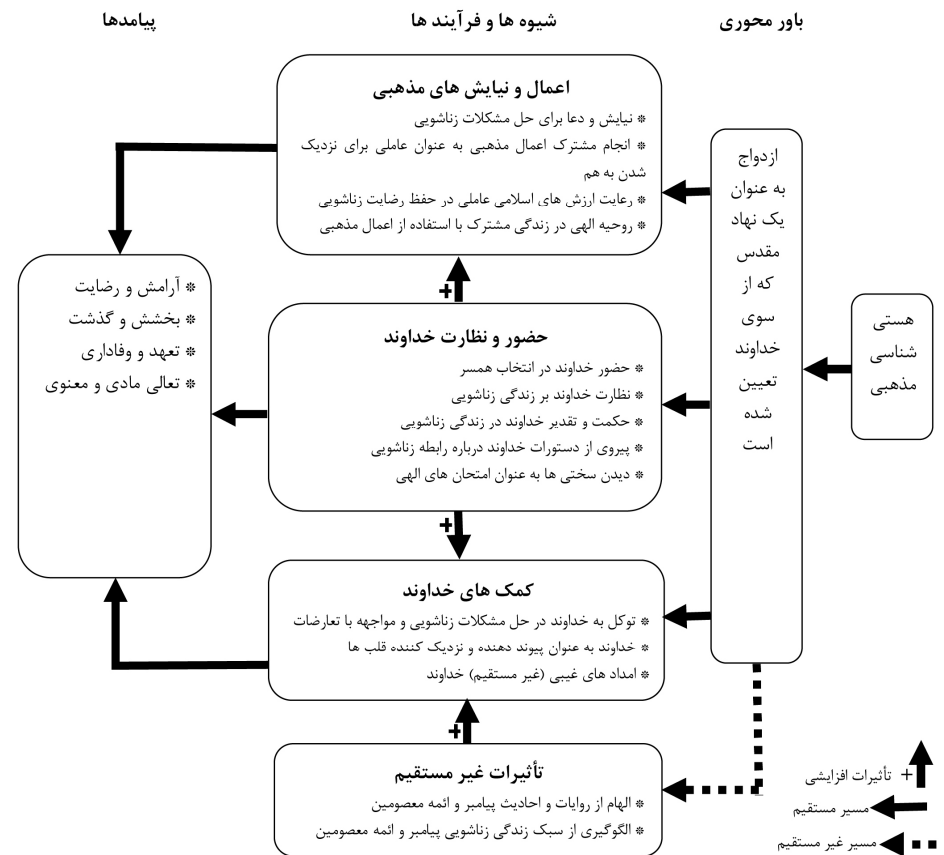
نتایج یک مطالعه‌ای کیفی، که به بررسی معنای زندگی در ۵۷ زوج مسیحی، یهودی و مسلمان پرداخت، نشان داد که موضوع عمده (خارج از سنت‌های دینی) در تمام زوجین این بود که ازدواج یک امر مقدسی است که «چیزی بیشتر» دارد: چیزی بیشتر از خود، چیزی بیشتر از زوجین و چیزی بیشتر از واحد خانواده. برای این زوجین، ازدواج یک رابطه الهی و رسمی بود و یک حمایت مهم برای رابطه آنان محسوب می‌شد. این یافته‌ها، یک نقطه مقابلی برای مباحث پژوهش‌های کنونی درباره غیررسمی شدن ازدواج (مانند زندگی‌های هم‌خانه‌ای) و فردگرایی در ازدواج‌های کنونی محسوب می‌شود. محققان این پژوهش تأکید کردند که آشکال رسمی ازدواج ممکن است قدرت خود را در جامعه کنونی برای بسیاری از زوجین مذهبی حفظ کرده باشند و شاید بسیاری از زوجین دیگر نیز معتقد باشند که ازدواج چیزی بیشتر از یک رابطه غیررسمی و خصوصی است که بیشتر محققان امروزه به آن می‌نگرند (Dollahite & et al, 2012, P. 353).

در یکی از معدود مطالعات تجربی که تاکنون در ایران درباره هستی‌شناسی اسلامی و رابطه زناشویی انجام شده است، رضاپور و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی ابعاد هستی‌شناسی اسلامی زوجین مذهبی دارای سازگاری زناشویی بالا پرداختند. هدف نهایی آنها، تدوین الگوی مفهومی هستی‌شناسی اسلامی در زوجین مذهبی دارای سازگاری زناشویی بالا بود تا از طریق آن بتوانند به طراحی برنامه درمانی بپردازند که به آنها در افزایش رضایت زناشویی زوجین، از طریق ارائه آموزه‌های مبتنی بر هستی‌شناسی اسلامی کمک کند. نتایج مطالعه کیفی آنان نشان داد که هستی‌شناسی مذهبی در زوجین موجب می‌شود آنها رابطه زناشویی خود را یک نهاد مقدسی تلقی کنند که از سوی خداوند برای رسیدن به اهداف خاصی (کمال دنیوی و اخروی) تعیین شده است. آنان دریافتند که هستی‌شناسی مذهبی در زوجین، که شامل این باور محوری در آنها می‌شد، به سه شیوه مستقیم و یک شیوه غیرمستقیم منجر به پیامدهای مثبت زناشویی در آنها می‌شود. شیوه‌های مستقیم هستی‌شناسی مذهبی در زوجین عبارت بود از: ادراک حضور و نظارت خداوند بر زندگی زناشویی، انجام اعمال و نیایش‌های مذهبی و ادراک کمک‌های خداوند در زندگی زناشویی. شیوه غیرمستقیم تأثیر هستی‌شناسی مذهبی در زوجین نیز الهام گرفتن از احادیث و سبک زندگی زناشویی پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام بود.

در روابط زناشویی نیز مانند سایر جنبه‌های زندگی، برخی افراد تحت تأثیر هستی‌شناسی مذهبی قرار دارند که می‌تواند موجب افزایش تداوم ارتباط آنها و رضایت زناشویی بیشتر در آنها شود. نتایج یک مطالعه، که با ۹۷ زوج - که انعکاسی از مذاهب گوناگون در آمریکا بودند - انجام گرفت، نشان داد زوجین به ازدواجشان یک ماهیت «مقدس» می‌دهند؛ به این معنا که ازدواج اغلب دارای معنای معنوی ادراک می‌شود و افراد متأهل عمدتاً ازدواج را مقدس تعریف می‌کنند و ماهیتی الهی به آن می‌دهند و معتقدند که خداوند ازدواج آنها را حفظ می‌کند (Mahoney & et al, 2003, p. 7). اگر زوجین عمیقاً به این باور معتقد باشند که هدف اصلی یک ازدواج عاشقانه پی بردن به ماهیت خداوند است (Lauer, 1985, P. 221)، آن‌گاه تعارضات شدیدی که منجر به قطع ارتباط با همسر می‌شود، به مثابه از دست دادن ارتباط با خداوند خواهد بود و انگیزش بیشتری برای حل آنها پیدا می‌کند (Mahoney, 2005, p. 697). مباحث زیادی در اسلام درباره هستی‌شناسی دینی در ازدواج وجود دارد، به طوری که برخی از آیات قرآن به طور مستقیم نکاتی را درباره جنبه‌های گوناگون ازدواج بیان داشته‌اند. خداوند در قرآن ازدواج را مایه آرامش انسان می‌داند (روم: ۲۱)، زن و شوهر را به گذشت و حل اختلافاتشان تأکید می‌کند (نساء: ۱۹) و زوجین را به پیشگیری از طلاق تأکید می‌کند (نساء: ۳۵). مطالعات نیز نشان می‌دهند آموزه‌های اسلامی بر افزایش رضایت زناشویی تأثیرگذار است (منجری و همکاران، ۱۳۹۱؛ حمید و همکاران، ۱۳۹۱؛ فقیهی و رفیعی‌مقدم، ۱۳۸۸)، اما ارتباط یا اثربخشی هستی‌شناسی اسلامی بر افزایش رضایت و عملکرد زناشویی زوجین، تاکنون چندان مورد توجه قرار نگرفته است (رضاپور، ۱۳۹۲، ص ۱۷۶؛ اسمعیلی، ۱۳۸۹).

مطالعات زیادی درباره نقش هستی‌شناسی دینی در ازدواج در سایر مکتب‌های دینی انجام شده است. برای مثال، مطالعات نشان می‌دهند هستی‌شناسی مذهبی در مسیحیان، افرادی که درگیر تعارض‌های زناشویی هستند را به خودشناسی، تأیید اشتباهات، رها کردن ترس از طرد و نشان دادن آسیب‌پذیری خود، بخشیدن خطاهای یکدیگر، جلوگیری از بروز خشم، صبور بودن، عشق ورزیدن و مهربانی ترغیب می‌کنند (Giblin, 1993, P. 319). اهداف معنوی ازدواج، همگی خارج از محدوده نظام معنایی سکولار هستند. برای مثال، در دیدگاه سنتی مسیحی به ازدواج به‌عنوان یک رویارویی مقدس نگاه می‌شود که در آن عشق و برکت مقدس تجربه می‌شود (Stanley & et al, 1998, P. 83). از سوی دیگر، مسیحیان اغلب خداوند را به‌عنوان شخص سومی در ازدواج می‌بینند که مراقب رابطه زناشویی آنهاست و به حل مشکلات زناشویی کمک می‌کند (Butler & Harper, 1994, P. 281). هستی‌شناسی

هستی‌شناسی مذهبی در زوجین، از طریق این شیوه‌ها و فرایندها منجر به آرامش و رضایت، بخشش، وفاداری و رسیدن به کمال مادی و معنوی در زوجین می‌شد (رضاپور و همکاران، ۱۳۹۲). الگوی مفهومی آنها از نقش هستی‌شناسی مذهبی در ازدواج در شکل ۱ آورده شده است.



شکل ۱: هستی‌شناسی مذهبی و نقش مستقیم و غیرمستقیم آن بر زندگی زناشویی (رضاپور و همکاران، ۱۳۹۲)

همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، هستی‌شناسی مذهبی زوجین به‌گونه‌ای در باورها و رفتارهای آنها در زندگی زناشویی تأثیر می‌گذارد که منجر به پیامدهای مطلوبی در رابطه زناشویی آنها می‌شود. با این وجود، علی‌رغم برخی مطالعات نظری انجام شده، مطالعات تجربی اندکی هستی‌شناسی اسلامی و تأثیرات آن را در زندگی زناشویی زوجین مسلمان ایرانی، بخصوص با توجه به بافت مذهبی حاکم بر جامعه ایران، مورد بررسی قرار داده‌اند. درحالی‌که می‌توان با گسترش برنامه‌های آموزشی مبتنی بر هستی‌شناسی اسلامی در ارتقاء روابط زوجین بسیار مؤثر بود و گامی در جهت بومی‌سازی علوم انسانی

در ایران برداشت. اهمیت این مسئله هنگامی بیشتر می‌شود که برخی از زوجین ایرانی، پیش و پس از ازدواج، تحت تأثیر القانات هستی‌شناسی غربی درباره رابطه زناشویی هستند و جامعه شاهد تأثیرهای منفی آن است (کاظمی و نیازی، ۱۳۸۹). این پژوهش، با در نظر گرفتن اهمیت این موضوع، به بررسی تأثیر آموزه‌های مبتنی بر هستی‌شناسی اسلامی (براساس طرح درمانی ارائه‌شده در مطالعه رضاپور، ۱۳۹۲) بر افزایش رضایت زناشویی زنان مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره خیریه باب‌الحوائج شهرستان میبد می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا آموزه‌های هستی‌شناسی اسلامی، بر افزایش رضایت زناشویی زنان متأهل مؤثر است؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر، از نوع طرح‌های نیمه‌تجربی، پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل همراه با پیگیری است. پس از تقسیم تصادفی آزمودنی‌های شرکت‌کننده در این پژوهش در گروه آزمایش و کنترل، طرح درمانی مبتنی بر آموزه‌های هستی‌شناسی اسلامی در ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای، به شرکت‌کنندگان گروه آزمایش ارائه شد. در گروه کنترل هیچ‌گونه مداخله‌ای صورت نگرفت. هر دو گروه، یک‌بار پیش از مداخله آزمایشی و دوبار پس از مداخله - یک‌بار به محض پایان مداخلات و یک‌بار یک ماه بعد از پایان جلسات - آزمون رضایت زناشویی *انریچ* را تکمیل کردند. نتایج با استفاده از آزمون کوواریانس چندمتغیره *مانکوا* مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. شرح جلسات در پیوست آورده شده است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری؛ جامعه آمار این پژوهش شامل کلیه مراجعان زن مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره خیریه باب‌الحوائج (وابسته به اداره بهزیستی) شهرستان میبد بود که از میان آنها، ۲۴ نفر به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. رضایت هریک از مراجعان برای شرکت در پژوهش جلب شد و افرادی که برای شرکت در پژوهش رضایت یا آمادگی نداشتند، به شیوه تصادفی جایگزین شدند. در مرحله بعد، آزمودنی‌های انتخاب‌شده به شیوه تصادفی در گروه کنترل و آزمایش جایگزین شدند. به شرکت‌کنندگان گروه کنترل، اطمینان داده شد که برنامه آموزشی پس از انجام آزمایش برای آنها نیز ارائه خواهد شد. در پایان مداخلات، با یک نفر افت در گروه آزمایش مواجه شدیم.

ابزار پژوهش؛ در این پژوهش از فرم کوتاه (۴۷ سؤالی) پرسش‌نامه رضایت زناشویی *انریچ* استفاده شد. این پرسش‌نامه دارای ۴۷ گویه است و یک ابزار معتبر برای ارزیابی رضایت زناشویی محسوب می‌شود (ثنایی، ۱۳۷۹). این پرسش‌نامه از ۱۲ خرده‌مقیاس تشکیل شده که در یک مقیاس پنج درجه‌ای

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، نتایج آزمون لون، در هر سه مرحله اجرای آزمون غیرمعنی‌دار است و بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که واریانس نمرات رضایت زناشویی در گروه‌های آزمایش و کنترل در هر سه مرحله آزمون همسان است. البته مقدار آزمون باکس (Box) نیز، که در نرم‌افزار آماری به همراه آزمون مانکوا انجام می‌شود، برابر $F=0/96$ و غیر معنی‌دار ($p=0/41$) بود که بیانگر، تأیید پیش‌فرض همسانی واریانس در گروه‌هاست.

جدول ۳: نتایج تحلیل مانکوا نمرات پس‌آزمون و آزمون پیگیری رضایت زناشویی با کنترل نمرات پیش‌آزمون

نام آزمون	مقدار	F	df فرضیه	df خطا	سطح معنی‌داری
اثر یلایی	۰/۹۶	۲۰۶/۰۸	۲	۱۹	۰/۰۰۰۱
لامبدای ویلکز	۰/۰۴	۲۰۶/۰۸	۲	۱۹	۰/۰۰۰۱
اثر هتلینگ	۲۱/۶۹	۲۰۶/۰۸	۲	۱۹	۰/۰۰۰۱
بزرگ‌ترین ریشه روی	۲۱/۶۹	۲۰۶/۰۸	۲	۱۹	۰/۰۰۰۱

جدول ۳ نتایج حاصل از تحلیل مانکوا بر روی میانگین‌های پس‌آزمون و آزمون پیگیری با کنترل پیش‌آزمون را نشان می‌دهد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، مقدار F معنی‌دار بوده و می‌توان نتیجه گرفت که میان دو گروه، از لحاظ رضایت زناشویی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بنابراین، از تحلیل کوواریانس در متن مانکوا استفاده شد که جدول ۴ نتایج آن را نشان می‌دهد.

جدول ۴: نتایج تحلیل کوواریانس در متن مانکوا برای ارزیابی تأثیر عضویت گروهی بر افزایش رضایت زناشویی

شاخص‌های آماری	مجموع مجذورات آزادی	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	معنی‌داری P	ضرب تأثیر	توان مشاهده شده
پیش‌آزمون	۳۴۴/۷۹	۱	۳۴۴/۷۹	۱۱/۴۰	۰/۰۰۳	۰/۳۶	۰/۸۹
پیگیری	۴۰۴/۴۴	۱	۴۰۴/۴۴	۱۱/۵۶	۰/۰۰۳	۰/۳۷	۰/۹۰
پس‌آزمون	۱۱۵۱۶/۹۷	۱	۱۱۵۱۶/۹۷	۳۸۰/۹۷	۰/۰۰۰۱	۰/۹۵	۱/۰۰
عضویت گروهی	۱۲۴۶۷/۵۹	۱	۱۲۴۶۷/۵۹	۳۵۶/۵۲	۰/۰۰۰۱	۰/۹۵	۱/۰۰

همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقدار F معنی‌دار بوده و می‌توان گفت که ارائه آموزه‌های هستی‌شناسی به گروه آزمایش منجر به افزایش معنی‌دار نمره آنها در رضایت زناشویی شده و این افزایش در پس‌آزمون نیز حفظ شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که ارائه آموزه‌های مبتنی بر هستی‌شناسی اسلامی موجب افزایش رضایت زناشویی زنان متأهل می‌شود. این یافته همسو با نتایج مطالعات دیگر بود (Dollahite & et al, 2012, P. 357; Lambert & Dollahite, 2008, p. 610; Dollahite & Lambert, 2007, P. 302; Goodman & Dollahite, 2006, P. 151; Mahoney & et al, 2003, P. 11). هر چند نمونه شرکت‌کننده در برخی از این مطالعات شامل مسلمانان نیز می‌شد، اما این مطالعات عمدتاً به بررسی نقش هستی‌شناسی مذهبی در زندگی زناشویی مسیحیان

لیکرت نمره‌گذاری می‌شوند. ضریب آلفای خرده‌مقیاس‌های انریچ، در چندین مطالعه مختلف از ۰/۶۸ (برای نقش‌های مساوات‌طلبی) تا ۰/۸۶ (برای رضایت زناشویی) با میانگین ۰/۷۹ بود (همان). ضریب همبستگی این پرسش‌نامه با مقیاس رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و با مقیاس رضایت از زندگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ بود که بیانگر روایی همگرایی مطلوب آن است (همان). کلیه خرده‌مقیاس‌های «پرسش‌نامه انریچ»، زوج‌های راضی و ناراضی را از یکدیگر متمایز می‌کرد که نشان‌دهنده روایی و آگرایی خوب این مقیاس بود (همان).

یافته‌های پژوهش

میانگین سنی آزمودنی‌های شرکت‌کننده در این پژوهش $33/38 \pm 4/56$ بود که حداقل دو سال از زندگی زناشویی آنها می‌گذشت. از بین آنها، ۳ نفر به صورت تمام‌وقت و ۱۱ نفر به صورت نیمه‌وقت شاغل و مابقی خانه‌دار بودند. میانگین سن ازدواج آنها نیز $4/03 \pm 7/21$ بود. جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌های گروه کنترل و آزمایش را در مقیاس رضایت زناشویی به تفکیک پیش‌آزمون، پس‌آزمون و آزمون پیگیری به تفکیک گروه کنترل و آزمایش می‌دهد. به دلیل اینکه در گروه آزمایش با افت نمونه مواجه شدیم، تعداد آزمودنی‌های این گروه در مرحله پیش‌آزمون ۱۲ نفر و در مرحله پس‌آزمون و آزمون پیگیری ۱۱ نفر بود. همان‌طور که مشاهده می‌شود، میانگین نمرات آزمودنی‌های گروه آزمایش در پس‌آزمون و آزمون، پیگیری بیشتر از نمرات آنها در پیش‌آزمون و بیشتر از میانگین نمرات آزمودنی‌های گروه آزمایش در سه مرحله آزمون است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد رضایت زناشویی در آزمودنی‌های گروه کنترل و آزمایش به تفکیک مراحل انجام آزمون

گروه	تعداد	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		آزمون پیگیری
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	
آزمایش	۱۱	۱۳۶/۴۲	۶/۲۱	۱۸۴/۵۴	۷/۹۷	۱۸۵/۷۳
کنترل	۱۲	۱۳۳/۵۸	۴/۹۶	۱۳۶/۶۶	۵/۳۴	۱۳۵/۸۳

برای آزمون فرضیه این پژوهش، از آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره (مانکوا) استفاده شد. یکی از پیش‌فرض‌های این آزمون، همسانی واریانس‌های نمرات متغیر وابسته در گروه‌های آزمایش و کنترل است. برای ارزیابی همسانی واریانس‌ها از آزمون لون استفاده شد که جدول ۲ نتایج آن را نشان می‌دهد.

جدول ۲: آزمون همگنی واریانس‌های لون در گروه آزمایش و کنترل به تفکیک سه مرحله آزمون

مرحله آزمون	F	df1	df2	سطح معنی‌داری (p)
پیش‌آزمون	۰/۲۰	۱	۲۱	۰/۶۶
پس‌آزمون	۲/۴۲	۱	۲۱	۰/۱۳
آزمون پیگیری	۰/۵۶	۱	۲۱	۰/۴۶

پرداخته‌اند. در ایران، اکثر مطالعات انجام‌شده در این زمینه، به بررسی اثربخشی آموزه‌های مذهبی بر جنبه‌های گوناگون زندگی زناشویی پرداخته‌اند (منجری و همکاران، ۱۳۹۱؛ حمید و همکاران، ۱۳۹۱؛ فقیهی و رفیعی مقدم، ۱۳۸۸). با این وجود، با توجه به اینکه صرف آموزه‌های مذهبی نیز شامل بخشی از هستی‌شناسی مذهبی می‌شود، می‌توان گفت: نتایج این پژوهش‌ها نیز همسو با نتایج این پژوهش است. هستی‌شناسی مذهبی نظام‌های معنایی الهی به افراد پیشنهاد می‌کند که می‌تواند تعارض‌های خانوادگی را به شیوه منحصراً به فردی حل و فصل کند. نقش هستی‌شناسی مذهبی در حل تعارضات منحصر به فرد است؛ زیرا ادراکات افراد از «تقدس» را هم در اهداف و هم در شیوه دنبال کردن آنها در زندگی تحت تأثیر قرار می‌دهد (Pargament, 2005, P. 683). آموزه‌ها و اعمال مذهبی، خط مشی را درباره شاخص‌های مطلوب زندگی به اعضای خانواده ارائه می‌دهند که عمدتاً شامل آداب و رسوم و الگوهایی می‌شود که با پدیده‌های متعالی درهم آمیخته‌اند (Roccas, 2005, P. 749). بنابراین، پیام‌هایی که مذاهب مختلف در رابطه متقابل بین منبع معنوی و روابط خانوادگی ارائه می‌دهند، بایستی به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا این پیام‌ها ممکن است تأثیر زیادی بر ماهیت و دفعات تعاملات خانوادگی تعارض‌آمیز و راه‌حل‌های آنها بگذارد (Mahoney, 2005, P. 703).

زوجین دارای گرایش‌های مذهبی قوی‌تر، که عقیده به مقدس بودن ازدواج دارند، ممکن است بیشتر از فرایندهای تعاملی استفاده کنند که محققان آنها را به‌عنوان حفظ‌کننده رابطه زناشویی می‌شناسند و از تعاملاتی که تنش بین آنها را شدیدتر می‌کند، اجتناب کنند (Mahoney & et al, 2003, P. 231). لامبرت هستی‌شناسی مذهبی به زوجین یک تمایلی را برای رابطه دائمی القا می‌کند که به آنها در طول تعارضات کمک می‌کند (Lambert & Dollahite, 2008, p. 611). به‌عبارت دیگر، آنها معمولاً به طلاق به‌عنوان یک «گزینه» در هنگام مواجهه با تعارضات نگاه نمی‌کنند و معتقدند طلاق از دیدگاه خداوند یک امر غیرقابل پذیرش است و تا جایی که امکان دارد باید از آن اجتناب کنند. این موضوع موجب می‌شود آنها به هنگام مواجهه تعارضات، تلاش بیشتری را برای رفع تنش‌های موجود انجام دهند. محققان دیگری نیز دریافته‌اند که تعهد زناشویی زمانی که زوجین حس روشن‌تری را از آینده‌شان دارند قوی‌تر است (Waite & Joyner, 2001, P. 258). هستی‌شناسی مذهبی به علت اینکه به نهاد ازدواج به‌عنوان یک رابطه مقدس نگاه می‌کند که تلاش برای حفظ آن نیز امر مقدسی است (نساء: ۱۹)، موجب می‌شود زوجین حس روشن‌تری از آینده زندگی

زناشویی‌شان داشته باشند و تعهد آنها به رابطه‌شان بیشتر شود. به‌طور کلی، هستی‌شناسی مذهبی موجب می‌شود زوجین هرگونه تلاشی را برای حفظ رابطه زناشویی دارای ارزش مقدسی ببینند که به آنها در نزدیک شدن به خداوند کمک می‌کند.

با این وجود، هستی‌شناسی مذهبی، وقتی که تحت تأثیر تفسیرها و برداشت‌های فردی خود زوجین قرار می‌گیرد و دچار انحراف می‌شود، گاهی اوقات می‌تواند منجر به تشدید تعارضات بین زوجین شود. برای مثال، از آنجایی که هریک از زوجین ممکن است در رابطه زناشویی برداشت خود از معنویت و نگرش مذهبی شخصی خود را بروز دهد، هستی‌شناسی مذهبی ممکن است زوجین را در معرض تعارض منحصر به فردی قرار دهد. همچنین ممکن است زوجین اختلاف‌نظرهایی در چگونگی تفسیر «تقدس» به جنبه‌های دیگر زندگی‌شان داشته باشند. مانند الف. هریک از زوجین به‌طور فردی با «تقدس» روبه‌رو می‌شود. برای مثال، نگرش‌های متفاوت در مورد خدا یا تمایلات متفاوت در شرکت کردن در فعالیت‌های مذهبی ب. نقش‌ها یا فعالیت‌هایی که ممکن است تنها یکی از زوجین آنها را مقدس در نظر گیرد. برای مثال، پرورش کودک، کارهای خیریه، دنبال کردن اهداف شغلی، ورزشی یا هنری، دارایی‌های مادی (Mahoney & et al, 2003, P. 229). برداشت فردی از هستی‌شناسی مذهبی، به شیوه‌های دیگری نیز می‌تواند موجب بدتر شدن تعارضات بین زوجین شود. برای مثال، چندین مطالعه این مسئله را مورد بحث قرار می‌دهد که چگونه زوجین هنگام بروز تعارضات در نظام زناشویی با خدا مثلث‌سازی می‌کنند (Pattison, 1982, p. 148; Rotz, 1993, P. 272). برای محققان با استفاده از شیوه‌های نظام‌های خانواده ساختاری و بوئی، به‌طور دقیقی توضیح می‌دهند که چگونگی ادراک زوجین از نقش خدا به‌عنوان فرد سوم در تعارضات زناشویی می‌تواند به‌عنوان مکانیسم قدرتمندی برای کمک به حل یا تشدید کردن تعارضات به کار رود (Butler & Harper, 1994, P. 283). هنگامی نقش خداوند به‌عنوان فرد سوم در زندگی زناشویی می‌تواند به پیامدهای مثبتی منجر شود که زوجین به خداوند به‌عنوان الف. شدیداً علاقمند به حفظ رابطه مهربانانه با هریک از زوجین. ب. گرفتن یک حالت خنثی در برابر «جهت» داستان هریک از زوجین. ج. اصرار بر مسئولیت هریک از زوجین برای تغییر رابطه، به جای سرزنش کردن یکدیگر، نگاه کنند. زوجینی که این‌گونه به نقش خداوند در رابطه‌شان می‌نگرند، ممکن است بتوانند خود را بیشتر از لحاظ هیجانی از الگوهای تعاملی مخرب جدا کنند و موقعیت‌هایی را برای مصالحه یا پذیرش سالم یکدیگر فراهم کنند. به‌عکس، خدا می‌تواند یکی از سه وجه مثلث مقابله محافظت‌کننده باشد، که حل تعارضات

زناشویی را با بن‌بست مواجه می‌کند: ائتلاف (برای مثال، خدا طرف یکی از زوجین را می‌گیرد)، جانشینی (برای مثال، مقصر این بدبختی‌ها خداوند است)، یا جابه‌جایی (برای مثال، به‌جای اینکه زوجین مستقیماً با مشکل روبه‌رو شوند، به‌دنبال کسب حمایت از سوی خدا می‌گردند). با توجه به این توضیحات، هنگام مداخلات درمانی مبتنی بر آموزش هستی‌شناسی مذهبی رهبر گروه یا درمانگر باید دقت کند که هریک از زوجین تفسیر و برداشت شخصی خود را از هستی‌شناسی مذهبی ارائه ندهند و از آموزه‌هایی استفاده شود که در متون مذهبی یا زندگی بزرگان دینی مشاهده می‌شود.

با توجه به نتایج این پژوهش، می‌توان گفت: که ارائه آموزه‌های مذهبی مبتنی بر هستی‌شناسی اسلامی، شیوه مناسبی برای افزایش رضایت زناشویی زوجین است. هرچند باید دقت داشت که هنگام ارائه آموزه‌های هستی‌شناسی اسلامی بایستی از منابع معتبر اسلامی مانند قرآن و احادیث استفاده کرد و برداشت فردی خود را از هستی‌شناسی اسلامی ارائه نداد. اهمیت این مسئله هنگامی نمود پیدا می‌کند که مطالعات نشان می‌دهد جامعه فعلی در معرض الگوهای آسیب‌پذیر هستی‌شناسی در بین جوانان است که انتخاب و ادامه زندگی زناشویی آنها را با مشکل مواجه می‌کند (کاظمی و نیازی، ۱۳۸۹؛ بنی‌فاطمه و طاهری، ۱۳۸۸).

با این وجود، محدودیت مطالعات کمی و کیفی در زمینه هستی‌شناسی اسلامی در ایران موجب شده مبنای نظری مناسب برای ارائه الگوهای مداخله‌ای آموزه‌های هستی‌شناسی اسلامی وجود نداشته باشد. یکی از محدودیت‌های این پژوهش این بود که برنامه مداخله‌ای ارائه‌شده، بر مبنای تنها یک مطالعه کیفی و منابع محدود کتابخانه‌ای طراحی شده بود. با توجه به این محدودیت، پیشنهاد می‌شود مطالعات تجربی بیشتری درباره شناسایی الگوهای هستی‌شناسی اسلامی که با پیامدهای مثبت در زندگی زناشویی همراه هستند، یا بررسی الگوهای هستی‌شناسی مذهبی زوجین موفق انجام شود. جامعه آماری این پژوهش فقط محدود به زنان متأهل می‌شود. بنابراین، برای تعمیم بهتر نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی اتریش‌شناسی آموزه‌های مبتنی بر هستی‌شناسی اسلامی را در زوجین و مردان متأهل نیز مورد بررسی قرار دهند. از دیگر محدودیت‌های این پژوهش، این بود که در یک جامعه نسبتاً مذهبی و با الگوهای فرهنگ سنتی انجام شده بود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود اتریش‌شناسی الگوهای مداخله‌ای این مطالعه، در پژوهش‌های دیگری که در بافت‌های متفاوت فرهنگی و مذهبی انجام می‌شود نیز مورد ارزیابی قرار بگیرد.

پیوست

ساختار جلسات آموزه‌های هستی‌شناسی اسلامی درباره زندگی زناشویی (رضایور، ۱۳۹۲)

جلسه اول: هستی‌شناسی اسلامی معارف اعضای گروه و بیان قوانین گروهی، تعریف و ارائه توضیحاتی در مورد تعارض‌ها و رضایت زناشویی، آشنایی با مفهوم هستی‌شناسی و نقش آن در شکل‌گیری باورها و رفتارها، بررسی نقش دین در هستی‌شناسی افراد و تعریف مفهوم هستی‌شناسی اسلامی، بحث و نتیجه‌گیری از جلسه و ارائه تکلیف در جهت شناسایی نوع هستی‌شناسی خود.
جلسه دوم: ازدواج به‌عنوان یک رابطه مقدس ارائه گزارش از تکلیف جلسه قبل و دادن بازخورد، بحث پیرامون ازدواج به‌عنوان یک رابطه مقدسی که از سوی خداوند بنا نهاده شده است، بررسی دلایل و اهمیت ازدواج در اسلام، بررسی اهداف ازدواج در اسلام، بحث پیرامون احادیث و روایات درباره ازدواج و اهداف آن، نتیجه‌گیری از جلسه و ارائه تکلیف در جهت شناسایی ماهیت مقدس ازدواج و اهداف آن.
جلسه سوم: حضور و نظارت خداوند در زندگی زناشویی ارائه گزارش از تکلیف جلسه قبل و دادن بازخورد، بحث پیرامون تقدیر و حضور خداوند در انتخاب همسر، باور به نظارت خداوند بر زندگی زناشویی به‌عنوان جنبه‌ای از هستی‌شناسی اسلامی، نقش باور به ناظر بودن خداوند بر زندگی زناشویی در نوع رفتار نسبت به همسر و فرزندان، کسب آرامش، تعهد به همسر، بخشش و گذشت نسبت به رفتارهای همسر و افزایش رضایت زناشویی، بحث پیرامون آیات و روایات در مورد نظارت خداوند بر انسان، نتیجه‌گیری از جلسه و ارائه تکلیف در جهت ناظر دیدن خداوند بر زندگی زناشویی.
جلسه چهارم: حکمت و تقدیر خداوند در زندگی زناشویی ارائه گزارش از تکلیف جلسه قبل و دادن بازخورد، بررسی نقش هستی‌شناسی اسلامی بر دیدن سختی‌ها و مشکلات زندگی زناشویی به‌عنوان امتحان‌های الهی، بحث پیرامون راه‌های گذر از امتحان‌های الهی در زندگی زناشویی با تکیه بر احادیث و روایات، پی بردن به حکمت‌ها و تقدیرهای خداوند در زندگی زناشویی و مشکلات آن، بررسی نقش توبه از گناهان و اشتباهات و گذشت و بخشش در کاهش تعارضات زناشویی، نتیجه‌گیری از جلسه و ارائه تکلیف در زمینه تشخیص حکمت و تقدیرهای خداوند در رابطه زناشویی.
جلسه پنجم: دستورات خداوند درباره زندگی زناشویی ارائه گزارش از تکلیف جلسه قبل و دادن بازخورد، بحث پیرامون نقش هستی‌شناسی اسلامی در پیروی از دستورات خداوند درباره زندگی زناشویی، مروری بر دستورات خداوند درباره نحوه برخورد با همسر، پرورش فرزند، کنار آمدن با یکدیگر، بخشش در زندگی زناشویی و آداب زندگی زناشویی با تکیه بر آیات قرآن، نتیجه‌گیری از جلسه و ارائه تکلیف در زمینه جمع‌آوری دستورات خداوند درباره زندگی زناشویی و عمل به آنها.
جلسه ششم: دعا، نیایش و اعمال مذهبی ارائه گزارش از تکلیف جلسه قبل و دادن بازخورد، بحث پیرامون نقش نیایش و دعا در کسب آرامش و کمک گرفتن از خداوند برای حل مشکلات زندگی زناشویی، بررسی نقش انجام مشترک (به همراه همسر) اعمال مذهبی به‌عنوان عاملی در نزدیک شدن عاطفی به همسر، و چگونگی بالا بردن روحیه الهی در زندگی مشترک با انجام اعمال مذهبی و نقش این روحیه معنوی بر رابطه زناشویی، نتیجه‌گیری از جلسه و ارائه تکلیف در جهت انجام مشترک اعمال مذهبی به همراه همسر.
جلسه هفتم: رعایت ارزش‌های اسلامی ارائه گزارش از تکلیف جلسه قبل و دادن بازخورد، بحث پیرامون نقش هستی‌شناسی اسلامی در رعایت ارزش‌های اسلامی در زندگی زناشویی، مروری بر ارزش‌های اسلامی در زندگی زناشویی با تکیه بر آیات و روایات و نقش این ارزش‌ها در حفظ زندگی زناشویی، نتیجه‌گیری از جلسه و ارائه تکلیف در جهت مطالعه درباره ارزش‌های اسلامی در زندگی زناشویی و عمل به آنها.
جلسه هشتم: کمک‌های خداوند در زندگی زناشویی ارائه گزارش از تکلیف جلسه قبل و دادن بازخورد، کمک به اعضا در تشخیص کمک‌های خداوند در زندگی زناشویی خود، بحث پیرامون نقش خداوند به‌عنوان پیوندهنده قلب‌ها و ایجادکننده محبت بین زن و شوهر، با تأکید بر آیات و روایات، تأکید بر توکل به خداوند هنگام مواجهه با مشکلات زناشویی و نقش آن بر افزایش صبر و حل مشکلات، نتیجه‌گیری از جلسه و ارائه تکلیف در زمینه پی بردن به کمک‌های خداوند در رابطه زناشویی و نقش توکل در دستیابی به این کمک‌های خداوند.
جلسه نهم: الگوبررسی از سبک زندگی زناشویی پیامبر ﷺ و ائمه ارائه گزارش از تکلیف جلسه قبل و دادن بازخورد، ارائه مثال‌هایی از زندگی زناشویی پیامبر ﷺ و ائمه معصومین <small>علیهم‌السلام</small> در نحوه برخورد با همسر، انجام وظایف زناشویی، تربیت فرزندان و غیره، مروری بر احادیث و روایات پیامبر ﷺ و ائمه <small>علیهم‌السلام</small> درباره زندگی زناشویی و برخورد با همسر، نتیجه‌گیری از جلسه و ارائه تکلیف در زمینه مطالعه کتاب‌هایی درباره سبک زندگی زناشویی پیامبر ﷺ و ائمه <small>علیهم‌السلام</small> و احادیث آنها درباره رابطه زناشویی و به کار بردن آموزه‌های آنها در زندگی زناشویی خود.
جلسه دهم: نتیجه‌گیری و پایان گروه ارائه گزارش از تکلیف جلسه قبل و دادن بازخورد، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مباحث مطرح‌شده در کل جلسات، مرور کلی بر نقش هستی‌شناسی اسلامی در زندگی زناشویی و تفاوت آن با برخی هستی‌شناسی‌های غربی، که در این زمینه وجود دارد و موجب تزلزل پایه‌های زندگی زناشویی می‌شود، پاسخدهی به سؤالات باقی‌مانده اعضا، و پایان گروه با مرور قوانین پایان گروه.

منابع

Giblin, R., Marital conflict and marital spirituality. In R. J. Wicks & R. D. Parsons (Eds.), *Clinical handbook of pastoral counseling* (V 2, p. 313– 328). New York: Paulist Press, 1993.

Goodman, M.A., & Dolahite, D.C., (2006), How religious couples perceive the influence of God in their marriage, *The Review of Religious Research*, v 48, P. 141– 155.

Lambert, N.M., & Dollahite, D.C., (2008), The Threefold Cord: Marital Commitment in Religious Couples, *Journal of Family Issues*, v 29, P. 592- 614.

Lauer, E.F., (1985), The holiness of marriage: Some new perspectives from recent sacramental theology, *Studies in Formative Spirituality*, v 6, P. 215– 226.

Mahoney, A., & et al, (1999), Marriage and the spiritual realm: The role of proximal and distal religious constructs in marital functioning, *Journal of Family Psychology*, v 13, P. 1– 18.

Mahoney, A., & et al, (2003), Religion and the sanctification of family relationships, *Review of Religious Research*, v 44, P. 220– 236.

Mahoney, A., (2005), Religion and Conflict in Marital and Parent-Child Relationships, *Journal of Social Issues*, v 61, P. 689- 706.

Palermo, G., (2007), The ontology of economic power in capitalism: mainstream economics and Marx, *Cambridge Journal of Economics*, v 39, P. 539- 561.

Pargament, K.I., & et al, (2005), The sacred and the search for significance: Religion as a unique process, *Journal of Social Issues*, v 61, P. 665– 687.

Pattison, E.M., (1982), Management of religious issues in family therapy, *International Journal of Family Therapy*, v 4, P. 140– 163.

Roccas, S., (2005), "Religion and value systems, *Journal of Social Issues*, v 61, P. 747- 759.

Rotz, E., Russell, C., & Wright, D., (1993), The therapist who is perceived as "spiritually correct": Strategies for avoiding collusion with a "spiritually one-up" spouse, *Journal of Marital and Family Therapy*, v 19, P. 369– 375.

Sanchez, L., Nock, S. L., Wright, J.D., & Gager, C.T., (2002), Setting the clock forward or back? Covenant marriage and the "divorce revolution", *Journal of Family Issues*, v 23, P. 91– 120.

Stanley, S.M., Trathen, D., McCain, S., & Bryan, M., A lasting promise: A Christian guide to fighting for your marriage, San Francisco, *Jossey-Bass Publishers*, 1998.

Waite, L.J., & Joyner, K., (2001), Emotional satisfaction and physical pleasure in sexual unions: Time horizon, sexual behavior, and sexual exclusivity, *Journal of Marriage and Family*, v 63, P. 247- 264.

اسمعیلی، معصومه، «بررسی تأثیر گسترش هستی‌شناسی اسلامی بر فعال سازی مؤلفه‌های هوشبهر هیجانی»، (پاییز و زمستان ۱۳۸۶)، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ش ۱، ص ۳۳–۴۴.

بنی‌فاطمه، حسین و طاهره طاهری تیمورلویی، «تعیین عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با میزان رضایت از زندگی زناشویی در میان زنان متأهل شهر آذرشهر»، (بهار ۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی*، ش ۱، ص ۷–۳۰.

ثنائی، باقر (۱۳۷۹)، *مقیاس سنجش خانواده و ازدواج*، تهران، بعثت.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، *تفسیر موضوعی قرآن کریم: معرفت‌شناسی در قرآن*، قم، اسراء.

_____ (۱۳۸۸)، *تفسیر موضوعی قرآن کریم: صورت و سیرت انسان در قرآن*، قم، اسراء.

حمید، نجمه و همکاران، «اثربخشی روان درمانی شناختی- رفتاری مذهب‌محور بر سازگاری زناشویی و سلامت روان زوجین»، (بهار و تابستان ۱۳۹۱)، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ش ۶، ص ۸۵–۱۰۳.

رضایور میرصالح، یاسر (۱۳۹۲)، *ارائه الگوی مفهومی سازگاری زناشویی مبتنی بر تبیین ابعاد هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی در گفت‌وگوهای تعاملی و درون شخصی زوجین متقاضی طلاق و زوجین برخوردار از سازگاری زناشویی و ارزیابی اثربخشی آن*، پایان‌نامه دکتری، مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.

رضایور میرصالح، یاسر و همکاران، «بررسی ابعاد هستی‌شناسی مذهبی در گفت‌وگوهای درون شخصی زوجین مذهبی برخوردار از سازگاری زناشویی بالا»، (زمستان ۱۳۹۲)، *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، زیر چاپ.

فقیهی، علی‌نقی و فاطمه رفیعی‌مقدم، «بررسی میزان اثربخشی آموزش‌های روان‌شناختی مبتنی بر روایات اسلامی در رضایت زناشویی زوجین»، (پاییز ۱۳۸۸)، *روان‌شناسی و دین*، ش ۲، ص ۸۹–۱۰۴.

قزائنی، محسن، (۱۳۸۸)، *تفسیر نمونه*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

کاظمی، زهرا و صغری نیازی، «بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر الگوی ازدواج: مطالعه موردی: شهر شیراز»، (تابستان ۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی ایران*، ش ۲، ص ۳–۲۳.

محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، *روش در روش (درباره ساخت معرفت در علوم انسانی)*، تهران، جامعه‌شناسان.

ممدوحی، حسن (۱۳۸۲)، *انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).

منجری، فرزانه و همکاران، «اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی با رویکرد اسلامی بر رضایت‌مندی زناشویی زوج‌ها»، (بهار ۱۳۹۱)، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ش ۱۳، ص ۳–۱۰.

Butler, M.H., & Harper, J.M., (1994), The divine triangle: God in the marital system of religious couples, *Family Process*, v 33, P. 277– 286.

Dollahite, D.C., & et al, (2012), "Something More": The Meanings of Marriage for Religious Couples in America, *Marriage & Family Review*, v 48, P. 339- 362.

Dollahite, D.C., & Lambert, N.M., (2007), Forsaking all others: How religious involvement promotes marital fidelity in Christian, Jewish, and Muslim couples, *Review of Religious Research*, v 48, P. 290- 307.